

نقد و بررسی‌ای از جایگاه اجتماعی زنان سه‌گینی^۲ (THREE GUINEAS) کتاب امسال است. هر کتاب دیگری هم که بیاید، این احتمال وجود ندارد که سال ۱۹۳۸ جلد دیگری از آثار خانم وولف را ارمغان ما سازد؛ و هیچ نویسنده انگلیسی زنده دیگری چنین آرایشی از قریحه‌ها و دستاوردها را یک تنه یدک نمی‌کشد. بدین گونه است که اکنون فاخرترین ارمغان امسال از آنچه را که انگلستان می‌تواند در ادبیات پدید آورد فراروی خود داریم. همانند همه آثار خانم وولف این اثر نیز ویژگی بارز نویسنده را بر هر صفحه خود دارد. این ویژگی ساخته و پرداخته بینشی است که ترجمان آن هوشی باریک بین و علاقه و شوری است که شعور و تسلطی آکنده از اعتماد به نفس و آسودگی خیال بر واژگان و عبارات آن را تابناک ساخته است. این ویژگی به گونه‌ای سیلان می‌یابد که همانند چین و شکن خیزابهایی که زاییده جاذبه ایستادگی ناپذیر گره ماه اندر حرکت و پرتوافشانی است. و همانگونه که خیزابها پیش از هر حرکت تازه به پیش‌گویی بر خویشتن باز می‌نشینند، حرکت ذهن خانم وولف به پیش، نیزگویی نخست به پس

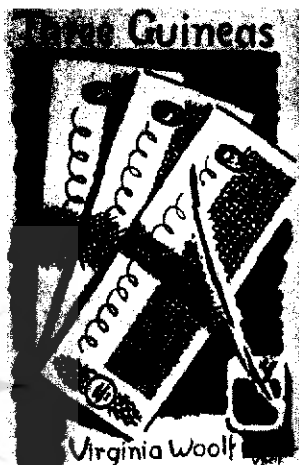
می خرامد، و اگر رگه‌ای قدیم از دلیل و بُرهان را باز پس می‌گیرد تنها برای آن است که شتاب گیرد و آنگاه از فراز قلّه‌ای تازه باز هم بیشتر اوج گیرد.

با وجود این، سه گینی با همه ظاهر کم فروغ خود کتابی انقلابی با تأثیری بمب‌آساست که با زیرکی، قلب دنیای دیوانه و متوحش از تسلیحات ما را نشانه رفته است... یا اگر هم دقیقاً بر قلب آن نشانه نرفته باشد، باری، بر نقطه‌ای حساس تر - ولو به لحاظ فیزیولوژیکی

نادقیق تر - در مرکز آن، بر زهدان تاریک ضمیر ناخودآگاه (با، اگر بیشتر دوست دارید، نیم آگاه) جهان ما نشانه رفته است که در آن تخمک‌های ناخواسته گوناگونی به صورت هیولاهایی سر بر می‌آورند و اینان در کشاکش دهشتها و بیدادگریها، و جباران و قتل‌های دسته‌جمعی، راه خود را، به زور، بسوی پوسته بیرونی این جهان می‌گشایند...

امیدوارم این را به روشنی نشان داده باشم که سه گینی کتابی تحریک‌آمیز و بحث‌انگیز است. خانم وولف نه صرفاً لایه و پوسته بیرونی حرفه خود را، بلکه روایحی چند از جان مایه آن را که به طرزی دل‌انگیز و از سر اراده‌ای متین گمراه‌کننده‌اند نیز به

دنبال خویش یدک می‌کشد. کسانی که بر سر هیچ و پوچ جدل می‌کنند می‌توانند با ولف به گفته‌هایی نمادین، ادعاها و بهانه‌هایی خاص و پرواز بس رفیع پندار و خیال دست یازند؛ می‌توانند با لحنی اعتراض‌آمیز بگویند که سال ۱۹۱۹ همان تاریخی نیست که ویرجینیا وولف می‌گوید، و کمبریج تنها دانشگاه در انگلستان نیست و عالیجناب قدوسی مآب پاتریک برونته آرا - هر چند که در آن قضیه معاون کشیش بخش رفتاری ناپسند کرد - منطقی می‌توان موجب طول عمر شارلوت، دخترش، دانست. اما خانم وولف در مقام حقوقدان، استاد دانشگاه یا هر شخص آموزش دیده دیگری چیز نمی‌نویسد. او وانمود به بیطرفی نیز نمی‌کند. می‌توانست بگوید که زنان نمی‌توانند بیطرف باشند. و اگر چه من تصور نمی‌کنم که خانم وولف در رویارویی با بسیاری دلیل و مدرک می‌توانسته است تاب آورد و حسادت و خودبینی و آز و احساس مالکیت تنها در زندگی اجتماعی یافت شده و تقریباً به



روی جلد کتاب سه گینی، کاری از ونسا بل.

گونه‌ای انحصاری از جانب جنس ذکور بروز نماید، اما این یک واقیعت است که خانم وولف باور ندارد که «خداوند متعال زنان را همتای مردان آفریده است». او هرگز اندیشه‌ای به آن بدی درباره زنان نداشته است.

خانم وولف نه به مثابه زنان قبیله آمازون^۴، که به مثابه آنتیگونه‌ها به دختران مردان فرهیخته می‌نگرد. آزادی آنان باید به گونه‌ای باشد که نه نقض کننده قوانین بلکه آشکار کننده قانون عالی شرع - آن الگوی راستین زندگی - باشد.^۵ به یاد دارید که کرئون آنتیگونه را گفت تا در مقبره‌ای محبوس کردند. و کرئون الگوی دروغین فرمانروایی خودکامه است که مرگ در چهره دارد. از آن سبب که خانم وولف یک پیشگو است، پندارش بی‌گمان جامه عمل خواهد پوشید، اما از آن سبب که پیشگویان در مقیاس روزها و قرن‌ها به شهرت نکوئیده عدم وثوق انگشت نما هستند، جهان شاید ناگزیر شود که مدتی دراز در انتظار جامه عمل پوشیدن آن پیشگوی بماند... شاید در انتظار اوج خیزاب بزرگ دیگری و در انتظار پرستش شکلی دیگر از یک نیک ایزد بانو!...^۶ اما امروزه دختران مردان فرهیخته، فرزندان زمین و آسمان پرستاره، اگر زیرک باشند، سه‌گینی را با دقتی بایسته خواهند خواند و در فروغ تابناک آن مزایای به اصطلاح نسبی حقوق انسانی‌ای را که از آنان خواسته می‌شود تا طلب نمایند، و آش شله قلمکاری سخت زیانبار است، بررسی خواهند کرد. ♦ ♦

* از شماره چهارم ژوئن ۱۹۳۸ نشریه Time and Tide

۱. THEODORA BOSANQUET، این بانوی ادیب و نقدنویس به گمان مترجم می‌بایست فرزند برنارد بوزانکت (۱۹۲۳-۱۸۲۸) فیلسوف هگلی انگلیسی باشد.

۲. «گینی» واحد پول در نظام پولی قدیم انگلستان و معادل ۱ پوند و ۵ پنی .

۳. PATRICK BRONTE (۱۸۶۱-۱۷۷۷) کشیش ایرلندی تبار انگلیسی و متعلق به کلیسای آنگلیکان، پدر خواهران برونه - شارلوت، امیلی و آن - که در ادبیات انگلستان پرآوازه‌اند. پاتریک برونه مشهور به داشتن عاداتی عجیب و غریب بود .

۴. AMAZONS، افسانه‌هایی - از جمله در اساطیر یونان - که قبیله‌ای از جنگجویان زن بوده‌اند، که طبق آن اساطیر در سرزمین سیکا (توران زمین) در جلگه‌های شمال دریای سیاه و دریاچه اورال، و طبق افسانه‌های متأخرتر در سواحل رودخانه بزرگ آمازون می‌زیسته‌اند.

۵. ANTIGONE، افسانه‌ای یونانی و شخصیت اصلی نمایشنامه‌ای از سوفوکل به همین نام، و دختر ادیپ که، به رغم دستور کرئون شاه، بیکر برادرش پولینیکس را شبانه به خاک سپرد و بدین سبب کرئون به مرگ محکومش کرد.

۶. BONA DEFA، اسطوره‌ای سخیف از اساطیر رُم که به موجب آن الهه‌ای را از زمانی پس قدیم تنها زنان پرستش می‌کرده‌اند و او پیشگوی هایش را تنها بر زنان فاش می‌کرده است.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی